

وحدت در سیره نبوی

نسب محمدی نسب

اگر زندگی پیامبر اسلام(ص) مورد دقت نظر واقع شود، مشاهده می شود که «محبت و وحدت» نقش فوق العاده مهمی در عرصه دعوت آن حضرت و گسترش دین اسلام داشته است.

خداوند متعال، پیامبر اکرم(ص) را پیامبر رحمت معرفی فرموده است و سراسر زندگی حضرت محمد(ص) سرشار از محبت به خداوند سبحان و بندگان او بوده است.

نویسنده مقاله کوشیده است به فرازهایی از این وحدت و رحمت اشاره نماید.

اینک مطلب را باهم از نظر می گذرانیم.

ورود پیامبر اکرم(ص) به مدینه همراه با عقد قراردادهایی بین گروههای گوناگون بود. این پیمان ها را می توان یکی از بارزترین شواهد بکارگیری محبت و وحدت اسلامی در جامعه آن زمان شمرد.

پیمان نامه عمومی مدینه یکی از مهمترین این پیمان ها، اولین قراردادی بود که بین پیامبر اسلام(ص) و طوایف و قبایل موجود یثرب بسته شد و بعضی آن را نخستین قانون اساسی مکتوب جهان دانسته اند.

این تدبیر بهترین مقوله برای به وجود آوردن وحدت ملی و همبستگی دینی بود چرا که وحدت میان قبایل درگیر، حقوق اجتماعی یهودیان و نیز مهاجران مسلمان را تضمین می کرد و از سوی دیگر، این پیمان ها مقدمات تشکیل یک وحدت سیاسی و حکومتی را فراهم می آورد.

به عنوان نمونه در مفاد قرارداد بین مسلمانان به روشنی قید شده بود که مسلمین امت واحده ای جدای از دیگر مردم هستند. و ارتباطی بین مسلمانان و کافران نیست و فاصله ای بین مسلم و مسلم نباید باشد. اگرچه روح حاکم بر این پیمان ها همانا به کارگیری ابزار وحدت اسلامی در جهت راهبرد ارزشی پیامبر اکرم(ص) در جامعه اسلامی است و از همین رو تمام موارد آن مصداق این امر قرار دارند که به بعضی از آن موارد اشاره می کنیم.(۱)

- مسلمین در برابر ظلم و تجاوز و توطئه و فساد باهم متحد خواهند بود.

- هیچ مؤمنی بدون اشاره سایر مؤمنان در جهاد فی سبیل الله صلح نمی کند و صلح جز برای همگان اجرا نخواهد شد.

پیامبر اکرم(ص) بین هر مهاجر و یکی از مردم مدینه (انصار) عقد برادری بست و در یک انگاره تاریخی حضرت علی(ع) را در دنیا و آخرت برادر خود خواند. «انه منی و انا منه» به هر ترتیب این تصمیم داهیه، کارآمدترین ابزار تحقق الفت فراگیر در جامعه آن زمان بود که نشان از همه کوشش پیامبر برای پیدایش یک تعلق اجتماعی بالنده بر محور ایمان به خدا داشت.

- محبت الهی پایه تشکیل جامعه آرمانی جامعه مطلوب پیامبر اکرم(ص) نظامی است که تمامی اعضای آن بر محور دیانت توحیدی، پیوند برادری با یکدیگر دارند و مکلف هستند آن را استوار نگه دارند تا خداوند عزیز حکیم نیز زمینه های الفت و وحدت دلها را (به قدرت خود) پایدار سازد و بدین سان پایه های تفاهم اجتماعی جامعه اسلامی محکم گردد: «و ان یریدوا و ان یخددوک فان حسبک الله هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین. و الف بین قلوبهم لو انفقت ما فی الارض جميعاً ما الفت بین قلوبهم و لکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم»(۲)

(الفت داد دلهای مؤمنان را دلهایی که اگر تو با تمام ثروت روی زمین می خواستی الفت دهی، نمی توانستی، لکن خدا تألیف قلوب آنها کرد که او بر هر کار، مقتدر و به اسرار امور داناست. »

براساس مفاد آیات الهی اولاً بدون تحقق الفت اجتماعی نمی توان سخن از جامعه گفت ثانیاً تحقق این امر تنها به سمت خداست، ثالثاً

مؤمنان نیز قادرند شرایط و زمینه های وحدت اجتماعی را فراهم آورند.

کلام راستینی خداوند پیرامون مسأله برادری قبایل مدینه نیز گویاست: «و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا و اذكروا نعمه الله عليكم اذ كنتم اعداء فألف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته اخواناً» (۳)

(و همگی به رشته دین خدا چنگ زده و به راههای متفرق مدعیان دین ساز نروید، و به یاد آورید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید و خدا در دلهای شما الفت و مهربانی انداخت و به نعمت و لطف خدا، برادر دینی یکدیگر شدید.)

جامعه آرمانی پیامبر اعظم (ص) که در آن روح اخوت و برادری موج می زند، جامعه ای است که در شدت بر کفار و رحمت به ایمان، حول یک محور، وحدت می یابند، یعنی «محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم» (۴)

(محمد فرستاده خداست و یاران او بر کافران، بسیار سخت دل و با یکدیگر بسیار مهربان و مشفق هستند)

جامعه ای که مانند پیکره ای واحد است و تمام افراد آن در ارتباطی وحدت بخش با یکدیگر پایدار می مانند و روح عشق و ایمان مذهبی در تار و پود آن جریان دارد. «مثل المؤمنین فی توأهم و تراحمهم و تعاطفهم کمثل جسد واحد اذا اشتکی منه عضو تداعی له سائر الأعضاء بالسهر و الحمی» (۵)

(مثل مؤمنان در دوستی و علقه به یکدیگر، مثل پیکری است که چون عضو از آن به درد بیاید، باقی اعضا به تب و بی خوابی دچار می شوند.)

- بهره وری از ظرفیت های اجتماعی پیامبر (ص) با طرح پیمان برادری انصار و مهاجر، از ظرفیت خاص چارچوب اجتماعی جامعه عربی (که حمایت از هم پیمانان خود بوده) در جهت اهداف تحقق امت واحد بهره برد و این موفقیت بارز پیامبر اکرم (ص) نه تنها باعث تعجب افرادی چون ابوسفیان شد که حتی آثار و پیامدهای این مساوات اسلامی تا مقدم داشتن اموال و دارایی ها نسبت به یکدیگر پیش رفت. به هر حال سراسر وقایع تاریخی اسلام گویای شواهدی است که نقش پیامبر اکرم را در جلوگیری از افتراق صفوف مسلمین و متقابلاً بهره بری ابزار وحدت اسلامی نشان می دهد و این دستور آشکار قرآن بود که:

«ولا تكونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا...» (۶)

شما مسلمانان مانند مللی نباشید که پس از آنکه آیات و ادله روشن از جانب خدا برای هدایت آنها آمد، باز راه تفرقه و اختلاف پیمودند... تلاش رسول معظم اسلام در ایجاد وحدت به اوج کوشش های ممکن می رسد و چون آرمان وحدت را یکی از رسالت های الهی بعثت خود می داند و رنج تفرق مؤمنان بر او گران می آید و سخت مهربان و هواخواه آنان است، سپس در این راه تمام توان خود را به کار می برد که:

«لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص بالموءمنین رئوف رحیم» (۷)

(به حقیقت پیغمبری از جنس شما برای هدایت خلق آمد که از فرط محبت و نوع پروری، فقر و جهل و بدبختی شما بر او سخت است و بر آسایش و نجات شما بسیار حریص و بر مؤمنان رئوف و مهربان است.)

و شاید به همین دلیل است که خود می فرماید: «ما اوذی نبی مثل ما اوذیت» (۸) (هیچ پیامبری مانند من آزار و اذیت نشد.)

سازگاری و همدلی موضوع «اصلاح ذات البین» و سفارشات و موضع گیری های پیامبر اکرم (ص) پیرامون آن، در ردیف راهکارهای ایجاد برادری قرار می گیرد.

به هر حال باید چنین نتیجه گرفت که کوشش برای ایجاد حساسیت مشترک دینی و ملی از شاخص ترین راه حل های پیامبر اسلام (ص) در جهت تحقق وحدت اسلامی شمرده می شود.

ایجاد چنین حس مشترک دینی و پیوستگی مذهبی واحد بین مومنان در کلام زیبایی منسوب به حضرت رسول (ص) کاملاً مشهود است که:

«المؤمنون کنفس واحده»

پیوند روح اخوت و برادری

- پیدایش تعلق اجتماعی: در نخستین سال ورود رسول اکرم(ص) به مدینه یکی از مهمترین ابتکارها و راهبرد های مهم حضرت در به کارگیری عامل وحدت دینی واقع تفوق به جای تفرق، رویداد دیگری که در جریان جنگ احد شاهد آن بودیم دستوری است که قرآن به پیامبر می دهد مبنی بر عدم ملامت عده ای از مسلمانان به خاطر فرار از جنگ و در برابر، بخشودن آنها و سعی در امیدوار ساختن و همکاری به گونه ای که جذب جامعه اسلامی شوند و در مسیر اصلاح و تربیت روحی قرار گیرند.

رسول اکرم(ص) به گونه ای اختلاف زدایی می کند که شکافی هرچند ناچیز در پیکره وحدت دینی مسلمین ایجاد نشود. چنان که مورخان نقل کرده اند پیامبر اکرم(ص) حتی برای گروهی هم که در جنگ حاضر نبودند سهمی از غنیمت قرار می داد.

می شود، یعنی پیوند (عقد) اخوت بین کلیه مسلمانان.

این پیمان برادری همگانی تنها براساس نفی انگیزه های قومی و قبیله ای و بر محور حق و همکاری اجتماعی شکل گرفت چه این که: «انما المومنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون»

(بحقیقت مومنان همه برادر یکدیگرند، پس همیشه بین برادران خود صلح دهید و خدا ترس باشید، شاید که مورد رحمت الهی قرار گیرید.)

رسول خدا (ص) در یک مجلس عمومی می فرمودند: (دو تا دوتا برای خدا باهم برادر شوید).

- هیچ مومنی بدون اشاره سایر مومنان در جهاد فی سبیل الله صلح نمی کند و صلح جز برای همگان اجرا نخواهد شد.

- تمامی گروهها (که به جنگ مشغولند) به ترتیب وارد جنگ خواهند شد و جنگیدن به یک گروه (دومرتبه پشت سرهم) تحمیل نخواهد شد.

- «دمه الله» نسبت به همه افراد یکسان است.

- اگر اختلافی بین مسلمین بروز کرد، مرجع حل آن خدا و رسول خواهند بود.

- مسلمین، فرد مقروض و مدیونی را که دین او سنگین است رها نخواهند ساخت بلکه او را کمک می کنند.

در قسمت دیگری از این عهدنامه تاریخی که طرف خطاب آن یهودیان مدینه بودند، اموری پیش داوری شد که توجه به مفاد آن حاکی از انگیزه تحقق وحدت ملی توسط پیامبر اکرم(ص) است:

- مسلمانان و یهودیان امت واحده اند و مانند یک ملت در مدینه زندگی خواهند کرد و هر یک دین خود را دارند.

- به یهودیان هم پیمان، همراهی و کمک خواهد شد و متقابلاً وقتی مسلمین آنها را به مصالحه می خوانند، یهودیان باید بپذیرند.

- مسلمین و یهود هر دو باید بر ضد کسانی که با این قرارداد به محاصره برمی خیزند، مبارزه کنند.

- هر دو باید با یاری یکدیگر در برابر مهاجمان به یثرب بجنگند.

- هیچ کافری از ناحیه دو طرف اجبر نشود مگر این که به مصلحت هر دو گروه باشد.

در خبری از ابویوب است که گفت، پیامبر(ص) فرمود: ای ابا ایوب تو را به صدقه ای راهنمایی کنم که خداوند آن را دوست دارد گفت بله، پس رسول خدا فرمود: صلح و آشتی بین مردم هرگاه به فساد افتادند.(۹)

و نیز نقل شده که درباره آیه اخوت از پیامبر پرسش کردند، فرمود: مزد آن کس که در برقراری آشتی میان مردمان بکوشد برا بر مزد کسی است که در راه خدا پیکار کند.(۱۰)

بدین ترتیب یکی از این شیوه ها را در تصمیمی که پیامبر اسلام(ص) مبنی بر «اصلاح ذات البین» در مورد تقسیم غنائم جنگ بدر می گیرد مشاهده می کنیم. قطعاً فقدان قانون خاص تقسیم غنائم و نیز عدم آمادگی تربیتی و اخلاقی مسلمانان آن دوره، عواملی بود تا در وحدت پویای جامعه اسلامی خلل ایجاد کند. از این رو پیامبر(ص) مأمور به اصلاح امور و حفظ یکپارچگی ملت می شود و مومنان نیز موظف به رعایت همدلی و تبعیت از رسول خدا که: «فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم و اطیعوا الله و رسوله ان کنتم مومنین»(۱۱)

(از خدا بترسید و به صلح و رضایت در بین خود رفتار کرده و خدا و رسول را اطاعت کنید، اگر اهل ایمانید.)

رسول اکرم(ص) به گونه ای اختلاف زدایی می کند که شکافی هرچند ناچیز در پیکره وحدت دینی مسلمین ایجاد نشود. چنان که مورخان نقل کرده اند پیامبر اکرم(ص) حتی برای گروهی هم که در جنگ حاضر نبودند سهمی از غنیمت قرار می داد.(۱۲)

جالب توجه است که پیش از آغاز جنگ بدر، پیامبر خدا با وجود اعلام حمایت عده ای از مهاجران در انتظار اعلام رضایت انصار مبنی بر آمادگی جهاد و نبرد با دشمن است، چون محتوای قرارداد انصار با پیامبر درباره دفاع از حضرت در داخل شهر مدینه بود نه همراهی در جنگ های خارج، لذا پیش از حرکت به دنبال رای و نظر انصار بود و پس از اطمینان از یاری آنان آماده جنگ می گردد. این امر در واقع نشان از اهتمام پیامبر (ص) به رعایت سنن اجتماعی و ملاحظه شرایط خاص سیاسی زمان دارد. (۱۳)

تفوق به جای تفرق، رویداد دیگری که در جریان جنگ احد شاهد آن بودیم دستوری است که قرآن به پیامبر می دهد مبنی بر عدم ملامت عده ای از مسلمانان به خاطر فرار از جنگ و در برابر، بخشودن آنها و سعی در امیدوار ساختن و همکاری به گونه ای که جذب جامعه اسلامی شوند و در مسیر اصلاح و تربیت روحی قرار گیرند.

«فیما رحمه من الله لهم و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر...» (۱۴)

(ای پیامبر، رحمت خدا تو را با خلق مهربان گردانید اگر تندخویی و سخت دل بودی، مردم از گرد تو متفرق می شدند و اگر به نادانی با تو بد کنند از آنان درگذر و از خداوند برای آنها طلب آمرزش کن و برای دلجویی آنها در کار جنگ با آنها مشورت کن.)

قطعاً یکی از ریشه های اصلی چنین تصمیم پسندیده ای، همخوانی با وحدت و یکپارچگی سیاسی امت اسلام بوده است تا از این طریق پیشاپیش زمینه افتراق بین گروههای مسلمان به علت طرد افرادی از مبارزین که در جریان جنگ دچار خطا و تخلف شدند و سایر اقشار جامعه محو شود.

در همین جنگ است که به نقل تاریخی، جوان مسلمان ایرانی پس از وارد آوردن ضربه ای به افراد سپاه دشمن می گوید: «این ضربت را تحویل بگیر که منم یک جوان ایرانی»، اما پیامبر (ص) او را مورد خطاب و عقاب قرار دادند که چرا نمی گویی منم یک جوان انصاری؟! و منظور آن است که به این وسیله هم، آهنگ برانگیخته شدن تعصبات قومی دیگر را خاموش و وحدت صفوف اسلام را حفظ کند و هم ملاک افتخار و ارزش را از محور قوم و نژاد و ملیت به دین و مکتب و ارزشهای توحیدی بازگرداند.

بدین سان حضرت از هر عاملی برای نگهداری تفوق اجتماعی و جلوگیری از تفرق استفاده می کرد، حتی در جریان تخریب مسجد ضرار. حفظ وفاق ملی سیاست پیامبر اکرم (ص) درباره ویران کردن مسجد ضرار دقیقاً به قصد ایجاد یک مانع موثر برای جلوگیری از ظهور شکاف سیاسی در جامعه اسلامی بود تا وفاق ملی آسیب نیبند.

پیامبر بزرگوار اسلام حتی در آخرین سفارشهای خود به امت اسلامی نیز چنین می فرماید:

(ای مردم همانا خون هایتان و اموالتان بر شما حرام است تا اینکه پروردگارتان را ملاقات نمائید مانند حرمت این روز و این ماه(ذی الحجه))

(ای مردم سخنم را گوش کنید و بیندیشید، بدانید هر مسلمانی برادر مسلمان دیگر است و همانا مسلمانان برادرند.) (۱۵)

پی نوشت ها:

۱- اولین قانون اساسی مکتوب در جهان، ص ۶۴ و ۵۵

۲- قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۶۳ و ۶۲.

۳- قرآن کریم، سوره آل عمران آیه ۱۰۳

- ۴- همان منبع سوره فتح، آیه ۲۹
- ۵- کنز العمال، جلد ۱ ص ۱۴۹
- ۶- قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۰۵
- ۷- همان منبع، سوره توبه، آیه ۱۲۸
- ۸- بحار الانوار، ج ۳۹ ص ۵۶
- ۹- کشف الاسرار وعده الابرار، ج ۹ ص ۲۶۷-۲۷۱
- ۱۰- دایره معارف تشیع، ج ۱ ص ۲۴۳
- ۱۱- قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۱
- ۲۱- تاریخ پیامبر اسلام، ص ۲۷۲
- ۳۱- محیط پیدایش اسلام، ص ۱۴۷
- ۴۱- قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۹۵
- ۵۱- السیره النبویه، ج ۴ ص ۲۵۰